



پیروزی مجدد جورج بوش، دلایل و عواقب آن

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا که با یک کشمکش بورژوازی جهانی برسر گزینش یکی از دو جناح رقیب همراه بود، سرانجام با پیروزی مجدد جورج بوش و شکست رقیب وی از حزب دمکرات پایان یافت. در جریان این انتخابات، بورژوازی جهانی در دو اردوگاه در برابر یکدیگر قرار گرفتند و هر یک برای پیروزی یکی از کاندیداها بر دیگری تلاش می کرد. در یک سو، مهم ترین دولت های اروپائی و اکثریت بزرگ احزاب و سازمانهای اروپائی قرار داشتند که برای پیروزی کاندیدای حزب دمکرات تلاش می کردند و در سوی دیگر، تعداد اندکی از دولت ها و احزاب اروپائی

جانب دار پیروزی جورج بوش کاندیدای حزب جمهوری خواه بودند. این که چرا این انتخابات اهمیتی بین المللی برای طبقه سرمایه دار جهان پیدا کرد، به چیز دیگری جز تشدید تعارضات درونی اردوگاه امپریالیسم که برخاسته از تضاد منافع اقتصادی و سیاسی انحصارات بین المللی است، ارتباط پیدا نمی کند. تضادی که پس از فروپاشی بلوک شرق و تغییرات بین المللی ناشی از آن به نحو روز افزونی تشدید شده و برسر اشغال نظامی عراق توسط آمریکا به تقابلی آشکار در درون قدرت های امپریالیست جهان انجامیده است.

همین واقعیت به وضوح توضیح می دهد که چرا به رغم نارضایتی عمیق اکثریت مردم آمریکا از سیاست های بوش که قطعاً عواقبی در خود جامعه آمریکا و تشدید مبارزه طبقاتی خواهد داشت و ابضاً مخالفت گسترده جهانی با سیاست خارجی بوش، وی می پایستی مجدداً در پست خود ابقاء شود.

تحلیل گران سیاسی بورژوازی، در ریشه یابی علت شکست کاندیدای حزب دمکرات و پیروزی جورج بوش دلایل سطحی همیشگی خود را تکرار می کنند. گروهی که تحلیل

در صفحه ۲

۲ اخباری از ایران
۴ اخبار کارگری جهان

در برابر تعرض سرمایه ،

راهی جز اتحاد ، مبارزه و همبستگی کارگری وجود ندارد

ارتجاع دارد زمینه های تصویب آن را فراهم می کند، تعرضات پی در پی و سیستماتیک سرمایه داران علیه کارگران، و تعرض به زندگی و معیشت کارگرانی است که حتا نان خالی هم به زحمت می توانند بر سفره خود حاضر کنند و سال های متمادی است که ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک آنان نیز پایمال شده است. در کنار این ها، تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضا، تداوم خصوصی سازی ها، اخراج ها و بیکارسازی های وسیع به بهانه "تغییر ساختار" و "بازسازی و نوسازی صنایع"، ساعات کار طولانی، اضافه کاری های

فشارهای بی حد و حصری که بورژوازی ایران و دولت اسلامی پاسدار منافع سرمایه داران و مرتجعین برگرده طبقه کارگر ایران تحمیل نموده است بر کسی پوشیده نیست. خارج ساختن کارگاههای ۵ نفره و کلیه کارگاههای قالی بافی از شمول قانون کار، تصویب ماده ۹۴ لایحه نظام صنفی و محروم ساختن کارگران کارگاههای کوچک از تامین بیمه های اجتماعی، محروم ساختن کارگران موقت از حق بیمه بیکاری طبق رای "دیوان عدالت اداری"، خروج کارگاههای ده نفره و کلیه کارگرانی که با قراردادهای موقت و تحمیلی مشغول به کارند از شمول قانون کار که هم اکنون مجلس

در صفحه ۳

فلسطین پس از یاسر عرفات

بررسی گردد. زیرا در واقع شخصیت سیاسی عرفات همزمان با شروع مبارزات رهایی بخش مردم فلسطین شکل گرفته است. عرفات در سال های ۵۶ - ۵۰ میلادی در قاهره مشغول تحصیلات عالی بود. اندکی پس از بنیانگذاری رژیم نژادپرست اسرائیل و اشغال فلسطین، مردم این کشور دست به مبارزه برای آزادی خود زدند. پس از اینکه عرفات از ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۶ در رأس یک تشکل دانشجویی به نام اتحادیه دانشجویان فلسطین قرار گرفت در سال ۱۹۵۹ به کویت رفت و سازمان فتح را پی ریخت. شرایط آن دوران موجب شد که عرفات از جریانات اسلامی مانند اخوان المسلمین دوری کند. با پیشنهاد جمال عبدالناصر، رئیس جمهور ملی گرای مصر اجلاسی تشکیل شد و در سال ۱۹۶۴ سازمان آزادیبخش فلسطین با شرکت تشکلات مختلف و از جمله فتح

روز ۸ آبان گذشته یاسر عرفات برای ادامه ی درمان بیماری اش از رام الله رهسپار امان، پایتخت اردن شد و سپس از آن جا به پاریس منتقل گردید تا در یک بیمارستان نزدیک به این شهر به نام «پرسی» تحت معالجه قرار بگیرد. در دسامبر ۲۰۰۱ دولت اسرائیل تصمیمی گرفت که یاسر عرفات نتواند از سرزمین های فلسطینی خارج بشود، اما بیماری وی و فشارهای بین المللی این دولت نژادپرست را وادار کرد تا اجازه ی خروج عرفات را بدهد. برای آن که دو هلیکوپتر اردنی بتوانند فرود بیابند، چندین بولدوزر به پاکسازی خرابی هایی پرداختند که تانک ها و جنگنده های اسرائیلی به وجود آورده بودند.

احتمال قوی درگذشت یاسر عرفات که شاید تا انتشار نوشته ی حاضر رخ دهد، می تواند عواقب مشخصی برای فلسطین داشته باشد. بدیهی است که تغییر و تحولات مورد نظر بستگی صرف به مرگ یاسر عرفات و لحظه ی آن نداشته، بلکه مانند هر رویداد دیگر اجتماعی دارای روندی بوده و هست. اما بهتر است روند مذکور با توجه به آغاز فعالیت های سیاسی و مبارزاتی عرفات

در صفحه ۸

۵۰ ساعت کارهفتگی
در کشورهای صنعتی ۷

پیروزی مجدد جورج بوش، دلایل و عواقب آن

اخباری از ایران

اعتصاب در کارخانه ذوب روی قشم

روز پنجشنبه ۱۴ آبان، کارگران کارخانه ذوب روی در جزیره قشم استان هرمزگان، در اعتراض به سیاست ها و برنامه های مدیریت این واحد، دست از کار کشیدند. این کارگران که در ناامن ترین و سخت ترین شرایط کار می کنند و در زمره محروم ترین کارگران ایران هستند، در ازای ۱۲ ساعت کار روزانه و اجبار به اضافه کاری پنجشنبه ها و نیز ۱۲۰ ساعت اضافه کاری ماهانه، دستمزدهای بسیار پائینی دریافت می کنند. کارگران در عین حال شاهد اخراج همکاران با سابقه خویش و نگرانی آینده شغلی خود می باشند. کارفرمای کارخانه در ادامه سیاست های ضد کارگری خود، اخیراً کارگران با سابقه ی بیش از ۵ سال کار را آن هم بدون پرداخت حق و حقوقی که به آنان تعلق می گیرد اخراج نموده است که این اقدام، اعتراض شدید کلیه کارگران این واحد را در پی داشته است. کارگران کارخانه ذوب روی، به نشانه حمایت از همکاران خود، دست از کار کشیده اند و ادامه کاری خود را به بازگشت به کار اخراج شدگان مشروط ساخته اند. کارگران با این اعتصاب، در عین حال خواهان افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کار و کاهش فشار کار شدند.

اجتماع اعتراضی کارگران "آذرخش"

کارگران کارخانه "آذرخش" شاهرود که روز پنجشنبه ۱۴ آبان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، دست به اعتراض زده و در برابر اداره کار و امور اجتماعی، اجتماع اعتراضی برپا کرده بودند، روز شنبه ۱۶ آبان نیز بار دیگر دست به اعتراض زده و با تجمع در برابر این ارگان، خواستار پرداخت سه ماه حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند.

اعتراض کارگران "بهمن پلاستیک"

کارخانه بهمن پلاستیک، از سال گذشته به یک فرد وابسته به نیروهای انتظامی واگذار شده است. تلاش نامبرده در جهت خروج دستگاه ها و اموال کارخانه، کارگران این کارخانه را شدیداً نگران ساخته است. ۹۰ کارگر این کارخانه که پنج ماه است دستمزدها نگرفته اند، شدیداً نسبت به این مسئله اعتراض دارند. هم اکنون این کارخانه به حالت تعطیل در آمده و کارفرما، کارخانه را به حال خود رها کرده و ناپدید شده است. در عین حال کارفرما علی رغم آن که مالیات و بیمه از حقوق کارگران کسر نموده است ولی این مبالغ را به ادارات مربوطه نپرداخته است که این مسئله، کارگران را با مشکل تمدید اعتبار دفترچه های بیمه نیز روبرو ساخته است. کارگران نسبت به تمام این تضيیقات و اجحافات معترض اند و خواستار پرداخت مطالبات معوقه و رسیدگی به سایر مشکلات و مطالبات خود شدند.

مدتهاست که سپری شده است. لذا امپریالیسم آمریکا به روال آن دوران نمی توانست دیگر قدرت های امپریالیست جهان به ویژه قدرت های اروپایی را به تبعیت وادارد. از این رو به تاکتیک ها و روش های دیگری نیاز داشت تا اثبات کند، آمریکا همچنان یگانه قدرت برتر جهان است و تمام قدرت ها باید از آن تبعیت کنند. پیشبرد این سیاست، در دستور کار قرار دادن هرچه بیشتر استفاده از قدرت نظامی و نادیده گرفتن و زیر پا نهادن قول و قرارها و تعهدات بین المللی پیشین را می طلبد. حزب دمکرات آمریکا به خوبی نمی توانست از پس انجام این وظیفه برآید، چرا که این حزب می کوشد، پیشبرد سیاست انحصارات آمریکائی و تحقق هژمونی آمریکا را در میان قدرت های امپریالیست به شیوه های پیشین، از طریق مصالحه و دادن برخی امتیازات به قدرت های رقیب و پیشبرد سیاست جهانی از طریق تصمیم گیری در اردوگاه قدرت های امپریالیست و به اصطلاح از طریق سیاست "چند جانبه گرایی" پیش برد. بالعکس این بوش و حزب جمهوری خواه بودند که آمادگی لازم را برای پیشبرد سیاست های مرحله کنونی انحصارات آمریکائی داشتند. پیروزی جورج بوش نه فقط در انتخابات اخیر بلکه در چهار سال پیش نیز ناشی از همین واقعیت بود. در طول این مدت، هیئت حاکمه آمریکا به رهبری بوش نشان داد که مصممانه بدون توجه به خواست ها و منافع دیگر قدرت های جهان و بدون نیاز به تأیید و تصویب سازمان ملل، شورای امنیت، تعهدات و قرارهای پیشین با رقبای آمریکا، برای پیشبرد سیاست های خود تلاش می کند و برای نشان دادن و اثبات برتری امپریالیسم آمریکا، قدرت نظامی را نیز بیش از پیش به کار گرفت.

اما به رغم این که بوش و حزب جمهوری خواه مناسب ترین مجریان پیشبرد سیاست انحصارات آمریکایی در این مرحله بودند، اما نتیجه پس از گذشت چهار سال چیزی نبود که آنها انتظارش را داشتند. اجرای این سیاست، نتیجه موفقیت آمیزی را که انحصارات آمریکائی در پی آن بودند به بار نیاورد. لشکر کشی نظامی آمریکا به عراق، بیش از آن که قدرت آمریکا را نشان دهد، عملاً ضعف و ناتوانی آن را به نمایش گذاشت. در چنین شرایطی شکست بوش در انتخابات و پیروزی جان کری از حزب دمکرات، در واقع به معنای پذیرش شکست سیاسی از سوی امپریالیسم آمریکا می بود. پذیرش این شکست، در واقع معنای دیگری جز این نداشت که امپریالیسم آمریکا از تمام داعیه های هژمونی طلبانه خود در میان قدرت های

هایشان سطحی تر از دیگران است، به شکل و قیافه و نحوه رفتار کاندیداها و چگونگی روبرو شدنشان با مردم آمریکا استناد می کنند و بر این مبنا پیروزی و شکست را توجیه می کنند. گروهی دیگر، پیروزی جورج بوش را مدیون کلیساها و دفاع وی از ارزش های سنتی و عقب مانده جامعه آمریکا می دانند. فهمیده ترین این تحلیل گران نیز چیزی جز این ندارند که بگویند، برنامه بوش برای مردم آمریکا صرح و آشکار بود، اما برنامه کری پر از ابهام و ناروشتی.

همه اینان در یک چیز مشترکند. آنها در پس تحلیل های رنگارنگ خود اولاً می کوشند، ماهیت واقعی انتخابات را در دمکراسی های پارلمانی پوشیده دارند و چنین وانمود کنند که گویا حقیقتاً این مردم هستند که خواست خود را به کرسی می نشانند و در انتخابات اخیر آمریکا نیز این توده مردم آمریکا بودند که بوش را برگزیدند. ثانیاً- همه چیز می گویند الا دلیل علت اصلی مسئله انتخاب مجدد جورج بوش را.

در واقعیت امر، دلیل و علت اصلی پیروزی مجدد بوش در این است که در این مرحله از تعارضات قدرت های امپریالیست جهان، حزب جمهوری خواه به رهبری بوش، بهتر از حزب دمکرات و کاندیدای این حزب می تواند سیاست ها و اهداف امپریالیسم آمریکا را بگیری و به مرحله اجرا در آورد.

گرچه تفاوتی میان حزب جمهوری خواه و دمکرات آمریکا وجود ندارد و هر دو حزب، نماینده سیاسی انحصارات آمریکائی هستند و سیاست ها و اهداف امپریالیستی این انحصارات را دنبال می کنند، اما روش و تاکتیک این دو حزب، همواره واحد نیست. این تفاوت در تاکتیک به ویژه در مرحله کنونی تعرض انحصارات آمریکائی برای سلطه انحصاری بر بخش های وسیعی از بازارهای جهان و تأمین هژمونی آمریکا در عرصه جهانی، به نحوی برجسته می شود که بر پیروزی یا شکست یک سیاست تاثیر تعیین کننده بر جای می گذارد.

این واقعیت به وضوح، لااقل در طول چهار سال گذشته آشکار شده است که امپریالیسم آمریکا در این مرحله در پی سلطه انحصاری بر بخش وسیعی از بازارهای آسیا و آفریقا است. امپریالیسم آمریکا نمی تواند این سیاست را که تنها متضمن منافع انحصارات آمریکایی ست پیش برد، مگر آن که، دیگر قدرت های جهان را به تبعیت وادارد و در عمل نشان دهد که قدرت منحصر به فرد و برتر جهان است. دوره ای که قدرت های امپریالیست جهان برای مقابله با شوروی و بلوک شرق، داوطلبانه سرکردگی آمریکا را پذیرفته بودند،

اعتصاب کارگران در یزد

کارگران کارخانه چینی سازی مهدی یزد، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، از روز شنبه نهم آبان دست به یک اعتصاب سه روزه زدند. مدیریت کارخانه، در حالی که بیش از هشت ماه است حقوق کارگران را نپرداخته است، از کارگران خواست تا به سر کارهای خود بازگردند اما کارگران گفته اند تا رسیدن به خواست های خود به اعتصاب ادامه می دهند.

اعتراض و اعتصاب غذا در نساجی کردستان

به دنبال برنامه ریزی جهت واگذاری کارخانه نساجی کردستان و تصمیم به اخراج ۷۵ کارگر این کارخانه، کارگران نساجی کردستان از روز دهم آبان ماه دست به اعتراض و اعتصاب غذا زدند. مدیریت کارخانه در صدد آن است که کارگران این کارخانه را با پرداخت سه ماه حقوق به ازای هر سال خدمت، باز خرید کند. اما کارگران خواستار پرداخت هشت ماه حقوق و مزایا و یا بازگشت به کار می باشند که مدیریت از پذیرش آن سرباز زده است. شایان ذکر است که تا روز سوم اعتصاب غذا، پنج تن از کارگران دچار ضعف و راهی بیمارستان شده اند. کارگران در ادامه اعتراضات خود، مدیر کارخانه را به گروگان گرفتند. اعضاء خانواده کارگران قصد داشتند به کارگران اعتصابی بپیوندند که حراست مانع ورود آنان به کارخانه شد.

در حمایت از این کارگران، روز دوازده آبان، کارگران همه سالن های ریسندگی و بافندگی دست از کار کشیدند. کارگران در برخی دیگر از واحدهای تولیدی از قبیل شاهو و شین بافت با تهیه طومار از اعتصاب و خواست کارگران نساجی حمایت و از آنها پشتیبانی کرده اند.

اعتصاب در "اسپارک ماشین تول"

۱۶۰ کارگر شرکت "اسپارک ماشین تول"، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، روز یکشنبه دهم آبان، دست به یک اعتصاب دو روزه زدند. لازم به یادآوری است که این شرکت مدتی پیش، به مدت سه ماه تعطیل شد و کارگران بدون دریافت هیچگونه دستمزد و حقوق به حال خود رها شدند. هم اکنون بیش از هفت ماه است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است. به دنبال اعتراضات کارگران، مبلغ ۳۶۰ هزار تومان به صورت علی الحساب به کارگران پرداخت شده است و مدیران شرکت قول دادند تا پایان هفته، ۳۰۰ هزار تومان دیگر بابت طلب کارگران بپردازند.

تجمع اعتراضی کارگران چینی سازی

در برابر تعرض سرمایه ،

راهی جز اتحاد ، مبارزه و همبستگی کارگری وجود ندارد

ذوب روی قشم در استان هرمزگان دست به اعتصاب زدند.

باید در نظر داشت که این حجم از اعتصابات و اعتراضات کارگری اولا تنها در مقطع یک هفته، آن هم فقط مواردی بوده است که در روزنامه های رژیم انعکاس یافته است. بدیهی است که اعتراضات و اعتصابات کارگری به همین موارد خلاصه نمی شود و کارگران در دهامورد دیگر، پیش و پس از این مقطع نیز دست به اعتصاب و تجمع زده و یا به اشکال دیگر برای دست یابی به مطالبات خود دست به اعتراض و مبارزه زده اند.

اگر چه در اکثر این اعتصابات و اعتراضات، کارگران به طرح مطالباتی با مضمون دفاعی پرداخته اند و خواست هایی چون پرداخت دستمزدهای معوقه، حفظ اشتغال و اعتراض به اخراج و بلاتکلیفی و امثال آن را به میان کشیده اند، اما در مواردی هم خواست های دیگری و با مضمون عالی تری را مطرح کرده اند که به روشنی نشان از پیشرفت درجه آگاهی کارگران و تشخیص برخی نیازهای عملی مبارزات کارگری و کوشش به عملی ساختن آن می باشد.

به عنوان نمونه کارگران ذوب روی قشم، نه فقط در اعتراض به سیاست های ضد کارگری مدیریت و برای افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند، بلکه محور اصلی اعتصاب آنها، اعتراض به اخراج کارگران با سابقه ی این کارخانه بود. در حمایت و پشتیبانی از کارگران اخراجی، کارگران به طور یک پارچه دست از کار کشیدند و اعلام کردند مادام که همکارانشان به سر کارهای خود باز نگرند، به اعتصاب ادامه می دهند.

نمونه مهم تر، نمونه کارگران کارخانه نساجی کردستان است. در این واحد نیز اعتصاب کارگران گرچه در اعتراض به باز خرید و شرایط باز خرید ۷۵ تن از کارگران این واحد آغاز گردید، اما در ادامه، بخش های مختلف کارخانه نساجی کردستان را در بر گرفت و همه کارگران سالن های ریسندگی و بافندگی در حمایت از این کارگران دست از کار کشیدند. خبر این اعتصاب به فوریت در سطح شهر سنجید و حمایت و همدردی کارگران خبازی و سایر اقشار مردم زحمتکش را نیز برانگیخت. افزون بر آن، سایر واحدهای تولیدی در سنجید از جمله کارخانه شاهو و شین بافت نیز با تهیه طومارهای حمایت آمیز به ابراز همبستگی با کارگران اعتصابی نساجی کردستان پرداختند.

ادامه اعتصاب کارگران نساجی کردستان و حمایت و همبستگی سایر واحدهای تولیدی با این کارگران که کم کم داشت تمام واحدهای تولیدی سنجید را در بر می گرفت و در ادامه حتی از سطح شهر سنجید هم فراتر می رفت، موضوعی نبود که از چشم رژیم و عوامل اطلاعاتی آن پنهان بماند. سنجید نیز می توانست چون سقز برای رژیم درد سر را شود. به ویژه آن که اعضاء خانواده کارگران نیز به نشان حمایت از

اجباری، نالیمنی شرایط و محیط کار، مجبور ساختن کارگریه هر کاری که کارفرما به وی محول می کند، تشدید فشار کار و استئمار، دستمزدهای ناچیز و پائین که عموما با تاخیر پرداخت می شود، روزگار میلیون ها کارگر و اعضا خانواده آنها را سیاه کرده و طبقه کارگر ایران را از همه سو تحت فشارهای غیر قابل تحملی قرار داده است.

طبقه سرمایه دار و دولت پاسدار منافع این طبقه، می خواهند کارگران ایران را به بره های رام و بی آزاری تبدیل کنند که صبح تا شام برای آنها کار کنند، شرایط سخت و خشونت بار و برده وار آنها را بی برو برگرد بپذیرند و هیچ زبانی به اعتراض و برای احقاق حقوق خود نگشایند. تحمیل چنین شرایط سخت و طاقت فرسانی بر کارگران ایران که با یک رشته وعده های توخالی اصلاح طلبان حکومتی نیز همراه بوده است، گرچه طبقه کارگر ایران را در کلیت خود به موضع دفاعی افکنده است، اما کارگران ایران هیچ گاه به این شرایط و خواست سرمایه داران رضایت نداده اند، بلکه در برابر این تعرضات مقاومت و اعتراض نموده و برای احقاق حقوق خود، مبارزات و اعتصابات متعددی را نیز سازمان داده اند.

هفته ای و روزی نیست که یک یا چند اعتراض و اعتصاب کارگری به وقوع نپیوندد. به رغم تمام محدودیت ها و مانع تراشی های پیچ در پیچ، و به رغم تشدید فشار و سرکوب، روزها و هفته هایی هست که ما شاهد چندین اعتصاب و اعتراض کارگری هستیم. اعتصاب و اعتراض به شرایط تحمیلی موجود، اعتصاب با طرح خواست ها و مطالبات غالبا دفاعی و گاه مطالباتی فراتر از آن، اعتصاب در حمایت از سایر کارگران و در همبستگی با کارگرانی که خود دست به اعتصاب زده و کارها را خوابانده اند.

تنها در فاصله یک هفته ی ۹ تا ۱۴ آبان بیش از یازده اعتصاب و اجتماع اعتراضی مهم کارگری گزارش شده است. نهم آبان کارگران چینی سازی مهدی یزد، دست به اعتصاب سه روزه زدند، همان روز کارگران و کارکنان خدماتی دانشگاه تربیت معلم نیز دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. باز در همان روز کارگران نساجی کردستان دست به تحصن و اعتصاب زده و به مدت سه روز به نشان اعتراض دست به اعتصاب غذا زدند. دهم آبان کارگران اسپارک ماشین تول اعتصاب دوازده روزه ای را آغاز کردند. همان روز کارگران کشت و صنعت کارون شوشتر دست به اعتصاب و راهپیمایی زدند. یازده و دوازده آبان در حالی که اعتصاب در چینی سازی مهدی یزد و نساجی کردستان ادامه داشت، کارگران اخراجی در کاشان نیز در برابر اداره کار دست به تجمع زدند و باز در همان روز کارگران کارخانه چینی سازی ابهر دست به اعتصاب و تجمع زدند. کارگران "آرخش"، شاهرود روز ۱۴ آبان دست از کار کشیدند و روزهای بعد نیز به تجمعات اعتراضی خود ادامه دادند. همان روز کارگران



تنها شروع مبارزات خود در راستای تحقق مطالبات اعتصابیون اعلام نمود.

اعتصاب کارگران فیات در ایتالیا

روز ۵ نوامبر تمامی کارگران کارخانه خودروسازی فیات در چند شهر مختلف ایتالیا دست به یک اعتصاب ۴ ساعته زدند. هزاران کارگر فیات در جزیره سیسیل پس از آغاز اعتصاب، در محوطه کارخانه تجمع نمودند و در شهر تورینو نیز کارگران اعتصابی در محوطه کارخانه تجمع نمودند. این اعتصاب در پی اعلام تصمیم مدیریت کارخانجات فیات مبنی بر تعطیلی بخشهایی از کارخانجات به دلیل زیان دهی انجام گرفت. اعتصابیون اعلام نمودند که این زیان دهی ناشی از اشتباهات مدیران این کارخانه بوده و نباید اشتباهات مدیریت باعث بیکاری کارگران بشود. این در واقع بهانه سرمایه داران برای انتقال بخشی از تولیدات این کارخانه به کشورهای نیروی کار ارزان است.

اعتصاب کارگران گویانا

روز ۴ نوامبر تمامی ۷۰۰ کارگر ۳ نیروگاه برق در شهر جورج تاون، پایتخت جمهوری گویانا در آمریکای لاتین، دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب برای افزایش دستمزدها به میزان ۱۰ درصد انجام گرفت. برغم مخالفت‌های دولت و اعلام اینکه دستمزدها تنها و حداکثر ۴ درصد افزایش خواهد یافت، اما فقط چند ساعت پس از اینکه منطقه بزرگی از این کشور در تاریکی فرو رفت، مقامات دولت از اعتصابیون دعوت نمودند که برای حل اختلافات به پای میز مذاکره بیایند. قابل توجه اینکه این مذاکرات تنها چند روز قبل و پس از ۱۷ دور، به بن بست رسیده بود.

اعتصاب کارگران در فنلاند

روز ۴ نوامبر تمامی ۷۵۰۰ کارگر کارخانجات کاغذ سازی مجتمع صنعتی UPM-Kymmene دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. ۲ روز قبل از این حرکت نیز، نزدیک به ۷ هزار کارگر کارخانجات چوب و الوار سازی همین مجتمع صنعتی، در ۲۲ کارخانه در سراسر فنلاند، یک اعتصاب ۲۴ ساعته برگزار کردند. این رشته حرکات اعتراضی در مخالفت با تصمیمات صاحبان این مجتمع صنعتی مبنی بر تعطیل یکرشته از کارخانجات و اخراج ۷۰۰ نفر از کارگران صورت گرفت. اخراج کارگران و تعطیل کارخانجات در حالی انجام میگیرد که اکنون مدت ۳ سال است سود سهامداران در حال افزایش مطلق است. اعتصابیون اعلام نمودند که تعطیلی کارخانجات تنها به منظور انتقال تولید به کشورهای است که نیروی کار در آنجا ارزان بوده و سرمایه داران تنها در فکر افزایش سودهای خود هستند. کارگران اعلام نمودند که با تمام توان با این اقدامات ضد کارگری صاحبان این مجتمع صنعتی مقابله می کنند.

خانواده های آنان، با آنان به شدید ترین وجهی برخورد می شود. خواست کارگران در این اعتصاب پایان دادن به آزار و اذیت کارگران، افزایش دستمزدها و امکان رفاهی و توقف اخراجهای خودسرانه کارگران است.

اعتصاب معدنچیان شیلی

روز ۵ نوامبر ۵۰۰ معدنچی معادن مس Phelps Dodge در شیلی، دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این کارگران خواستار افزایش دستمزدهای خود هستند. اکنون برای پنجمین سال متوالی کارگران شاهد افزایش سود سهامداران این شرکت هستند، اما این افزایش سودها هنوز افزایش دستمزد کارگران را به همراه نداشته است. برغم تضییقات همه جانبه صاحبان این معادن، معدنچیان اعتصابی اعلام نمودند که به اعتصاب خود ادامه می دهند.

پایان اعتصاب کارگران خدمات در آمریکا

روز ۴ نوامبر بیش از ۱۰ هزار کارگر اعتصابی هتل ها و کارینوهای شهر اتلانتیک سیتی واقع در ایالت نیوجرسی، اعتصاب یکماهه خود را پایان دادند. این اعتصاب برای افزایش دستمزدها، مخالفت با تامین هزینه بیمه های درمانی توسط کارگران و کاهش مدت قراردادی دسته جمعی به ۳ سال و همزمانی آن با قراردادهای دسته جمعی کارگران هتل و رستوران دیگر ایالت‌های آمریکا بود. در هفته های اول این اعتصاب، کارفرمایان با این حرکت مخالفت کرده و تلاش نمودند که از کارگران غیر عضو اتحادیه های کارگران استفاده نمایند. اعتصابیون با این اقدامات به طور جدی مقابله کرده و با برپایی تجمعات اعتراضی به طور شبانه هروزی در مقابل هتل ها و رستورانها با این تلاش سرمایه داران به مخالفت برخاستند. سرانجام پس از یک ماه، سرمایه داران نمایندگان کارگران را به میز مذاکره دعوت نمودند و با یکرشته از خواست آنان موافقت نمودند. از جمله اینکه دستمزدها به میزان ۲۸٪ افزایش یافت و تمامی هزینه بیمه های درمانی کارگران کماکان به عهده کارفرما خواهد بود. اما قراردادهای دسته جمعی به جای ۳ سال همچون گذشته ۵ سال باقی ماند.

اعتصاب کارگران در جمهوری بنین

هزاران کارگر و کارمند دولت در جمهوری آفریقای بنین از حقوق و دستمزدهای خود ناراضی هستند. اوایل ماه اکتبر مذاکرات بین نمایندگان شاغلین دولت و مقامات دولتی با بن بست مواجه شد. با به بن بست رسیدن مذاکرات، راه مبارزه مستقیم در مقابل کارگران و کارکنان ناراضی دولت قرار گرفت. در همین راستا اولین دور اعتصاب در روز ۱۹ اکتبر و به مدت ۳ روز آغاز شد. در طول این اعتصاب تمام مراکز و ادارات دولتی، مدارس، مراکز درمانی، خدمات حمل و نقل شهری مسافران و فرودگاه این کشور کاملاً تعطیل شد. شورای اتحادیه های کارگری جمهوری بنین این حرکت اعتصابی را

اعتصاب کارکنان دولت در انگلیس

روز ۲۹ اکتبر بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کارکنان و کارگران ادارات و مراکز مختلف دولتی در انگلستان دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این حرکت اعتراضی، که در ۵۵ سال گذشته بی سابقه بود، در اعتراض به تصمیمات دولت مبنی بر اخراج نزدیک به ۱۰۴ هزار نفر از شاغلین دولت در چند سال آینده انجام گرفت. در طول این اعتصاب یکرشته از ادارات و مراکز دولتی تعطیل شده و رهبران اتحادیه های کارکنان و کارگران دولت اعلام نمودند که برغم پافشاری مقامات دولت پیرامون ضرورت اخراج دهها هزار نفر از کارکنان و کارگران بخشهای مختلف دولت، این اعتراضات ادامه خواهد یافت.

اعتصاب کارگران حمل و نقل در بنگلادش

روز ۶ نوامبر، دهها هزار نفر از کارگران حمل و نقل در سراسر بنگلادش دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. این دومین اعتصاب عمومی در طول تنها یک هفته بود. اولین اعتصاب عمومی روز ۳۰ اکتبر بود که در اعتراض به قتل ابول کمال آزاد، یکی از رهبران اتحادیه کارگران حمل و نقل، انجام گرفت. در اعتصاب روز ۶ نوامبر، کارگران مجدداً خواستار دستگیری و محاکمه قاتلین رهبر اتحادیه خود شدند و در عین حال از مقامات دولت خواستند که ۶ شرط آنها را بپذیرند. این خواسته ها شامل افزایش دستمزدها، افزایش هزینه های رفاهی و بهبود ایمنی محیط کار است. در این ۲ روز، هزاران اتوبوس در ترمینال های شهرهای بزرگ متوقف مانده و صد ها هزار نفر مسافرت خود را به تعویق انداختند. پس از این اعتصاب کارگران اعلام نمودند که در صورت ادامه مخالفت مقامات دولت با خواسته های آنان، پس از مدتی کوتاه دست به یک اعتصاب نامحدود می زنند.

اعتصاب ۶ هزار کارگر در فیلیپین

بیش از ۶ هزار نفر کارگر کشاورزی مزارع نیشکر در مناطق شمال شهر مانیل، پایتخت کشور فیلیپین، که متعلق به یکی از وابستگان رژیم پیشین این کشور است، روز ۶ نوامبر دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. اکنون ماههاست که باند های وابسته به صاحب این مزارع، کارگران را مورد آزار و اذیت قرار داده و هر بار که کارگران قصد برپایی حرکتی اعتراضی داشتند، مورد یورش این باندهای اوباش سرکوبگر قرار گرفتند. اما سرانجام کاسه صبر کارگران لبریز شد و این اعتصاب نامحدود آغاز شد. بلافاصله پس از آغاز این حرکت، تمام راههای منتهی به این مزارع توسط کارگران مسدود شد و به این باندهای اوباش هم اخطار شد که در صورت آزار و اذیت اعتصابیون و

اخباری از ایران

کارگران شرکت چینی سازی "هیس" ابهر، در اعتراض به واگذاری این شرکت به بخش خصوصی و بلا تکلیفی و سرگردانی ناشی از این وضعیت، روز سه شنبه دوازدهم آبان دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر فرمانداری، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. لازم به ذکر است که این کارخانه، به بهانه تغییر ساختار، از شش ماه پیش تعطیل شده است و بسیاری از کارگران این کارخانه در طی این دوره حتی از دریافت حق ناچیز بیمه بیکاری نیز محروم بوده اند. به دنبال این اقدام اعتراضی کارگران، و وساطت فرمانداری که با قول رسیدگی به مشکلات کارگران همراه بود، اعتراض کنندگان نیز به تجمع خود پایان دادند.

راهپیمایی اعتراضی کارگران کشت و صنعت

در اعتراض به رای کمیته کارهای سخت و زیان آور، کارگران شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر، روز یکشنبه دهم آبان دست به تجمع زده و از محل کار خود به سمت اداره کار و شعبه تامین اجتماعی شوشتر، دست به راهپیمایی زدند. کارگران پس از آن که یک مسیر هشت کیلومتری را پیموده بودند، نیروهای انتظامی و سرکوب، راه را بر آنان بستند و مانع ادامه راهپیمایی و ورود کارگران به خیابان های شهر شدند. کارگران در همان محل به تجمع اعتراضی خود ادامه داده و خواستار آن شدند که شغل آنان در فهرست مشاغل سخت و زیان آور، قرار بگیرد.

اعتراض کارگران اخراجی

مدیریت کارخانه ریسندگی و تولید نخ "ابهر بافت" از ۲۰۰ کارگر این کارخانه ۴۵ نفر را در حالی که سه ماه حقوق و مزایای آنان را نپرداخته بود اخراج و از کار بیکار نمود. کارگران اخراجی، ضمن اعتراض و شکایت، در محل اداره کار خرم دره نیز تجمع نموده و خواستار بازگشت به کار و پرداخت مطالبات معوقه خود شدند.

اجتماع اعتراضی کارگران کاشان

روز سه شنبه دوازدهم آبان، بیش از صد تن از کارگران واحدهای تولیدی مختلف کاشان که غالباً کارگران واحد های نساجی بودند، برای چندمین بار دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر اداره تامین اجتماعی این شهر، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

تجمع اعتراضی بیکاران

نزدیک به ۴۰۰ تن از جوانان بیکار دهلران، در برابر اداره کار این شهر دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار کار شدند. این بیکاران که چندین ماه است برای کار در شرکت "پالایش سبز" متعلق به شرکت نفت در اداره کار دهلران

نام نویسی کرده اند، هر روزه یک مسافت ۱۳۰ کیلومتری را برای مشخص شدن وضعیت کاری خود طی می کنند، ولی هنوز هیچ جوابی به آنها داده نشده است.

تجمع اعتراضی کارکنان دانشگاه

روز شنبه نهم آبان، کارکنان و کارگران خدماتی دانشگاه تربیت معلم، در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق، دیرکرد در پرداخت حق بیمه و نیز عدم پرداخت اضافه کاری، دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار تحقق مطالبات خود شدند.

تجمع اعتراضی مردم قائم شهر

روز شنبه دوم آبان مردم شهرستان قائم شهر در اعتراض به بی توجهی مسئولین و مقامات دولتی برای ساختن یک پل در جاده کمربندی که تاکنون موجب تصادفات و کشته شدن چندین عابر پیاده شده است، دست به تجمع و راهپیمایی زدند و برای مدتی جاده کمربندی قائم شهر را مسدود کردند.

تجمع اعتراض در شهرکرد

روز شنبه ۹ آبان، اهالی منطقه "میرآباد" شهر کرد، در اعتراض به کمبود آب شرب این منطقه در برابر استان داری چهار محال و بختیاری دست به تجمع زدند. بیش از ۱۵۰۰ نفر از ساکنین این منطقه حدود هفت سال است که با مشکل کمبود آب آشامیدنی روبرو هستند. این در حالیست که اداره آب و فاضلاب استان، مبلغ ۲۰۰ هزار تومان بابت انشعاب لوله جدید، از هر خانوار ساکن این منطقه نیز گرفته است.

نامه اعتراضی

- بیش از هزار نفر از کارگران "شرکت مینوی خرمدره" که شامل طرح بازنشستگی با سابقه بیش از ۲۵ سال هستند، هنوز نتوانسته اند از این حق قانونی خود استفاده کنند. آنها در یک نامه اعتراضی خطاب به رئیس اداره کار خرمدره، خواستار احقاق حقوق و رسیدگی به مشکلات خود شدند.

- کارگران شرکت "سلک بافت" یزد، در یک نامه اعتراضی خطاب به رئیس بنیاد مستضعفان، ضمن ابراز مخالفت با انحلال این شرکت و ادغام آن با شرکت های "ماهباغ" و "جنوب"، نسبت به تضییع حقوق قانونی خود از قبیل سابقه چندین ساله پرداخت بیمه، حق سنوات، اجرای طرح بازنشستگی پیش از موعد، هشدار دادند.

سودپرستی سرمایه داران بازم

از میان کارگران قربانی گرفت

- روز دوشنبه یازدهم آبان در یکی از کارگاههای شهرستان پاکدشت، کارگری در حین انجام کار، به علت انفجار به سختی مجروح و به بیمارستان انتقال یافت اما به علت شدت جراحات، جان خود را از دست داد.

- چهارشنبه بیست و دوم مهر، اسکندر شیبانی

کارگر ۴۸ ساله کارخانه سعادت آباد نساجان یزد، از فرط فشارهای اقتصادی و اجتماعی خود را به دار آویخت. شایان ذکر است که به دنبال اجرای طرح اصلاح ساختار در کارخانه سعادت آباد نساجان، شمار زیادی از کارگران این کارخانه برای مدت ۱۵ ماه به بیمه بیکاری معرفی شدند. اسکندر یکی از این کارگران بود که در عین حال کارفرما در صدد اخراج وی بود. او که تحمل فشارهای گوناگون منجمله فقر ونداری فزاینده و ۱۵ ماه زندگی با حقوق ناچیز بیمه بیکاری را نداشت، در زیر زمین محل سکونت خود دست به خودکشی زد و عملاً قربانی اجرای طرح های رنگارنگ سرمایه داران سودپرست شد. هم اکنون حدود ۳۵۸ کارگر این کارخانه بیکار و به بیمه بیکاری معرفی شده اند. شایان ذکر است که اسکندر شیبانی، نخستین قربانی آزمندی و سیاست های ضد کارگری و آزمندی کارفرمایان این شرکت نیست. پیش از این نیز دو تن از کارگران سعادت آباد نساجان یزد، به نام های محمد جامعه و حسین شیخ زاده که با مشکلات و گرفتاری های مشابهی روبرو بودند، اقدام به خودکشی کرده اند.

- ساعت یک بعد از ظهر روز دوشنبه چهارم آبان، یکی از کارگران شرکت زغال سنگ "هجک" از توابع کرمان، در یکی از تونل های معدن دچار خفگی شد. محمد تیز هوش، ۳۲ ساله، دارای همسر و دوفرزند، به دلیل عدم تجهیز به وسائل ایمنی دچار حادثه شد و در اعماق زمین جان داد.

- جواد یحوی کارگر ۲۸ ساله کارخانه ماشین سازی تبریز، روز چهارشنبه سوم آبان هنگام کار دچار سانحه شد. این کارگر که در یکی از شرکت های پیمانکاری ریخته گری ماشین سازی تبریز کار می کرد، بر اثر قرار گرفتن بر روی نوار نقاله دردم جان باخت و به صف بی شمار قربانیان نظام سرمایه داری پیوست.

کارفرمایان

دستمزد کارگران را نمی پردازند

- شرکت چوب و فلز اردکان (چوفا)، به بهانه داشتن بدهی، از پرداخت دستمزد امتناع می کند. مدیر عامل جدید این شرکت که در ابتدای سال جاری وعده داد مشکلات چندین ساله کارگران را حل و فصل کند، نه تنها گامی در این راستا برنداشت، بلکه چندماهی است که دستمزد کارگران را نیز پرداخت نمی کند.

- بیش از چهار ماه است حقوق و مزایای کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی زابل پرداخت نشده است. این کارخانه مانند بسیاری از واحدهای نساجی دیگر، در حال رکود و تعطیلی است که ۶۰ کارگر آن نیز در معرض اخراج و بیکاری اند.

- کارگران شرکت پیمانکاری "قزل دشت مغان" که کارهای شرکت کشت و صنعت مغان را انجام می دهد، بیش از چهار ماه است دستمزد خود را نگرفته اند. اعتراضات مکرر کارگران، شکایات و مکاتبات آنان با اداره کار و مدیریت شرکت کشت و صنعت، تاکنون بی نتیجه و بی پاسخ مانده است.

- کارگران شرکت "گوهر کوه" در استان

اخباری از ایران

پیروزی مجدد جورج بوش، دلایل و عواقب آن

در برابر تعرض سرمایه، ...

سیستان و بلوچستان بیش از چهار ماه است دستمزد نگرفته اند. ۱۱۰ کارگر این شرکت که با معضلات اقتصادی و معیشتی روز افزونی دست به گریباند، نسبت به تاخیر در پرداخت دستمزدها اعتراض دارند و خواهان پرداخت حقوق های معوقه خود هستند.

در شهرستان نیک شهر واقع در استان سیستان و بلوچستان، شرکت های پیمانکاری بیش از چهار ماه است که دستمزد بیش از ۹۰۰ کارگر را نپرداخته اند. شرکت های "راه سازی دناره ساز" با ۴۲۰ کارگر، "جهان کوثر" با ۳۱۰ کارگر "راه سازی یاز" با ۱۱۰ کارگر و "عمران تولید نیرو" با ۷۴ کارگر، از پرداخت دستمزد کارگران امتناع می کنند.

اخراج و بیکاری سازی کارگران ادامه دارد

- شرکت "کشت و صنعت دشت خرمدره" متعلق به بنیاد مستضعفان، کارگران با سابقه ی بالای بیست سال را تحت عنوان توافق با کارفرما به اداره کار معرفی و به اجبار آنها را باز خرید می کند. چنانچه کارگری به این مسئله اعتراض کند و یا خواست کارفرما را نپذیرد، آن قدر وی را در محل کار و به شیوه های گوناگون از جمله و ادار کردن او به انجام کارهای سخت، تحت فشار می گذارند که به این خواست کارفرما "رضایت" دهد.

- به دنبال تعطیلی کارخانه "فرش اکباتان"، از ۸۰۰ کارگر این کارخانه ۵۰۰ کارگر با محاسبه صد روز سنوات به ازاء هر یک سال، باز خرید و ۳۰۰ کارگر دیگر بابت تکلیف و بیکار و به بیمه بیکاری معرفی شده اند.

- کارفرمای شرکت "کیوان همدان" به خاطر قرارداد با آموزش و پرورش و فصلی بودن این قرارداد، ۱۵۰ کارگر این شرکت را در قالب اجرای ماده ۱۰ قانون "توسازی صنایع" اخراج نمود. این شرکت نزدیک به ۳۰۰ کارگر رسمی و ۲۸۰ کارگر قراردادی داشته است.

چند خبر کوتاه

- بنا به گزارش ایلنا در سیزده آبان و به نقل از عضو شورای اسلامی کار کارخانه کشمیران، در حال حاضر خط فقر از ۲۲۰ هزار تومان گذشته است و به عبارت دیگر تمام افرادی که ماهانه کمتر از این مبلغ درآمد دارند، در زیر خط فقر زندگی می کنند. همین خبرگزاری به نقل از مسئول کانون همافکنی شوراهای اسلامی کار محور جاده قدیم کرجمی گوید، در پایان برنامه چهارم، کارگران قراردادی بالغ بر ۹۰ درصد کل کارگران را شامل خواهد شد.

- از ۳۲۳ کارگر کارخانه شوافز کار، تنها ۲۳ نفر در استخدام دائم و بقیه در قالب قراردادهای ۶ ماهه و ۱۲ ماهه موقت مشغول به کارند. به گزارش ایلنا، کارگران این کارخانه، برای گذران زندگی خود تا سه شیفت کاری در واحدهای مختلف تعمیرات، برق و تولید، مجبور به اضافه کاری هستند.

جهانی دست بردارد. به رغم شکست ها و ناکامی های بوش، طبقه حاکم آمریکا به هیچ وجه حاضر به پذیرش چنین چیزی نبود. لذا می بایستی بار دیگر بوش برمسند ریاست جمهوری آمریکا قرار گیرد، تا هم، بر این شکست سرپوش گذارده شود و هم فرصت چهار ساله دیگری برای تبدیل این شکست به پیروزی فراهم گردد. اما از این پس چه خواهد شد؟ آیا امپریالیسم آمریکا قادر است در چهار سال آینده به اهداف و مقاصد خود از طریق سیاست هایی که بوش مجری آن است جامه عمل پوشد؟

واقعیتهای موجود از هم اکنون پاسخ این سؤال را داده است. اگر قرار می بود که این سیاست پیروز شود، چهار سال گذشته زمان کافی برای آن بود. اما اکنون که دیگر ضعف و ناتوانی نظامی آمریکا در مهار کشوری کوچک نظیر عراق بر ملا شده است، پیشاپیش روشن است که جز شکست های بیشتر چیزی در چهار سال آینده نیز، عاید امپریالیسم آمریکا نخواهد شد.

تردیدی نیست که هیئت حاکمه آمریکا از هم اکنون تلاش خواهد کرد باتکیه بیشتر بر قدرت نظامی خود، شکستی را که در منطقه خاور میانه با آن روبرو شده است. جبران کند. نیروهای نظامی بیشتری را به منطقه اعزام خواهد کرد و بر وحشی گری و سرکوب خواهد افزود. اما این اقدامات نظامی قادر به مهار اوضاع نخواهند بود، بالعکس به تشدید تضادها، مقاومت ها و درگیری ها خواهد انجامید. ادامه این سیاست در همان حال به تشدید تضادهای درونی قدرت های امپریالیست به ویژه قدرت های بزرگ اروپائی و آمریکا خواهد انجامید. پیام آن را نیز پیشاپیش وزیر خارجه آمریکا، به اطلاع قدرت های دیگر جهان رسانده است. وی درست در آستانه پیروزی مجدد بوش در انتخابات اخیر، طی مقاله ای نوشت که وظیفه حل تمام مسائل جهانی بر عهده آمریکاست. انجام این وظیفه در قرن بیست و یکم استفاده از تمام گزینه ها را می طلبد که به زبان غیر دیپلماتیک و ساده آن، استفاده از قدرت نظامی و جنگ است. او خطاب به رقبای آمریکا گفت که البته ما آماده ایم با مشارکت دیگران این مسائل را حل و فصل کنیم، اما تنها شرط آن این است که رهبری آمریکا را بپذیرید. او سپس بر این نکته تاکید کرد که بوش در دوره آینده به جهانیان نشان خواهد داد که می تواند این رهبری آمریکا را تامین و تضمین کند.

این پیام به قدر کافی گویاست. نتیجه آن هم پیشاپیش روشن است. رقبای امپریالیسم آمریکا به ویژه قدرت های بزرگ اروپائی، هژمونی آمریکا را نخواهند پذیرفت. بنابراین، تشدید تضاد و مخاصمات میان قدرت های امپریالیست جهان نتیجه حتمی انتخاب مجدد بوش خواهد بود.

کمک مالی

هامبورگ مازیار ۶۰ یورو

کارگران، خود را به پشت در کارخانه رسانده بودند تا به آنان ملحق شوند. از همین رو بود که وزارت کشور رژیم و شاخ و برگ های آن در کردستان و سنندج نیز شدیداً وحشت زده شده و نیروهای سرکوب و انتظامی نیز از همان آغاز چهار چشمی مراقب اوضاع بودند. هوشیاری کارگران در ابراز همبستگی و حمایت فعال از اعتصاب کارگران نساجی کردستان، مسئله کارگران نساجی را به درستی به مسئله کل کارگران تبدیل می کرد و در برابر سرمایه داران و کارفرمایان، نیرو و پای همه کارگران را به وسط می کشید.

همین اتحاد و همبستگی مبارزاتی کارگران بود که تاثیر قاطع و انکار ناپذیر خود را در عقب راندن کارفرما که به هیچ عنوان حاضر به کوتاه آمدن در برابر کارگران نساجی کردستان نبود برجای گذاشت و پذیرش پاره ای از مطالبات کارگران را بر وی تحمیل کرد.

نمونه اعتصاب کارگران نساجی کردستان که مشمول اخراج و باز خرید اجباری شده و در زمره قربانیان "طرح نوسازی" بودند - این طرح که به بهانه نوسازی و باز سازی صنایع نساجی به میان کشیده شد، به کل صنایع تعمیم یافت. و اعتصاب و همبستگی شورانگیز سایر کارگران در حمایت از هم زنجیران خود، به خوبی نشان داد که اتحاد و همبستگی کارگران شاغل و کارگران اخراجی و بیکار، می تواند راه را بر تعرض و زورگویی سرمایه دار و کارفرما مسدود کند و پیروزی هایی نیز برای کل کارگران به همراه داشته باشد. همان طور که کارگران اخراجی و باز خریدی، در آغاز شغلی داشتند و بیکار نبودند، بدیهی است که عارضه اخراج و بیکاری می توانست و می تواند دامن کارگران هنوز شاغل را هم بگیرد. تشخیص این مسئله که کارگران شاغل یا بیکار موقت یا دائم منافع طبقاتی واحدی دارند، موضوع بسیار حائز اهمیتی است و کارگران شاغل به وسیله ابراز همبستگی با کارگران اخراجی و پشتیبانی از آنها که یک نیاز عملی مبارزاتی است، رشد درجه آگاهی خود را در تشخیص این منافع واحد به نمایش گذاشتند. اعتصاب کارگران نساجی کردستان، اعتصابات کارگری در سایر شهرها و استانها در همین دوره کوتاه یک هفته ای، در عین حال گویای این واقعیت هم هست که با سیاست زور و فشار و سرکوب که رژیم هم اکنون با شدت بیشتری به آن ادامه می دهد، نمی توان جلوی مبارزات کارگران را گرفت و آنها را به بردگانی خاموش مبدل ساخت. اعتصاب و تجمع اعتراضی که طبق فتوای خمینی عملی "حرام" و ممنوع بود و خامنه ای در اوائل سال جاری و در ممنوعیت آن فتوای دوباره صادر کرد، کماکان مهم ترین شکل مبارزه و اعتراض کارگری است. کارگران بی نیاز از جواز و بی اعتنا به "فتوا" برای رسیدن به مطالبات خود مبارزه می کنند و دست به اعتراض و اعتصاب می زنند. در برابر تعرض سرمایه و برای رسیدن به مطالبات کارگری راهی جز اتحاد و همبستگی کارگری و تشدید مبارزه علیه نظم حاکم وجود ندارد.

رواج ۵۰ ساعت کار هفتگی در کشورهای صنعتی

اعتصاب کارکنان دولت در انگلستان

به فراخوان اتحادیه PCS (با ۳۰۰۰۰۰ عضو) کارکنان دولتی ۱۶۷ اداره انگلیس در روز جمعه ۵ نوامبر دست به اعتصاب زدند. دولت سوسیال دمکرات این کشور اعلام کرد در ادامه روند خصوصی سازی ها قصد دارد (فعلاً!) ۱۰۰۰۰ تن از کارکنان بخش دولتی را از کار برکنار کند. چندی پیش نیز خبر برکناری ۶۰۰۰ تن از کارکنان BBC اعلام شد. بگفته معاون رئیس اتحادیه نامبرده شده، Chris Baugh، این اولین اعتصاب مشترک همه کارکنان دولت از بیش از دهسال پیش تا کنون است.

کمیته اجرائی اتحادیه اتش نشانی انگلیس FBU اعضای "Grassroots FBU" را اخراج کرد. بگفته مدیریت سازشکار و بوروکراتیک اتحادیه، این شبکه قصد داشت یک اتحادیه رقیب و رادیکال برپا دارد. اعضای اخراجی موضوع ادعائی "اتحادیه رقیب" را رد کرده خواهان دمکراتیزه کردن اتحادیه برای تبادل نظر بین اعضا هستند.

فولگس واگن

پس از چندین بار اعتصاب هشدار کارگران کارخانه خودرو سازی فولگس واگن در یک هفته گذشته، نمایندگان اتحادیه فلز (IG-Metal) مدیریت کارخانه بر سر تعرفه جدید به "توافق" رسیدند. دستمزدها و حقوق نه تنها فعلاً افزایش نمی یابند بلکه از سال ۲۰۰۶ در مجموع یک میلیارد یورو کاهش می یابند (در آغاز این اتحادیه خواستار یک افزایش ۴ درصدی بود!). همچنین ساعت کار بیشتر شناور خواهد شد. سطح دستمزد و حقوق زحمتکشانی که از این پس به استخدام در می آیند ۳۰ درصد کمتر از تعرفه های موجود این کارخانه خواهند بود. این سیاست یک بام و دو هوای اتحادیه بین کارگران جدید و قدیمی دودستگی ایجاد کرده تأثیر مخرب خود را در مبارزات آینده این کارگران خواهد گذاشت. با این کاهش دستمزدها (بدون احتساب تورم سالانه) مدیریت کارخانه به هدف کاهش ۳۰ درصدی هزینه تولید جامه عمل می پوشاند. در مقابل مدیریت کارخانه متعهد شده است تا پایان سال ۲۰۱۱ هیچ شاغلی را به بهانه "مشکلات کارخانه" اخراج نکند.

اشتباه بزرگی خواهد بود اگر چنین تصور شود که با عقب نشینی پی در پی اتحادیه (پس از Siemens، DaimlerCrysler و KarstadtQuelle) اشتباهی سرمایه داران فروکش خواهد کرد. میزان دستمزد کارگران شرق اروپا تابولی راهنمای آنها در مذاکرات با نمایندگان اتحادیه است. دستمزد یک کارگر خودرو سازی در کشور رومانی، بدون هر گونه ضمانت شغلی، بین ۱۲۰ تا ۲۰۰ یورو در ماه است که تقریباً برابر با دستمزد روزانه هم صنفتش در آلمان است. به خورده انطرف تر، در کشور مولداوی، حتی با ماهی ۸۰ تا ۱۰۰ یورو هم می توان کارگر استخدام کرد!

سازمان بین الملل کار در سند جدید الانتشار خود، خبر از افزایش ساعات کار هفتگی در کشورهای صنعتی داد. بر اساس این گزارش، بیش از ۲۰ درصد نیروی کار در کشورهای آمریکا، ژانندو، استرالیا و ژاپن هفتگی بیش از ۵۰ ساعت کار می کنند. این در حالی است که این عده، از ساعات کار زیاد ناراضی اند، اما ترس از اخراج و بیکاری آنها را مجبور می کند که ۵۰ ساعت در هفته کار کنند. از سوی دیگر این گزارش یادآور شده است که بخش عظیمی از کارگرانی که به طور موقت و نیمه موقت استخدام می شوند، از ساعات پائین کار خود و عدم تأمین معیشت خود ناراضی اند اما چاره ای جز تن دادن به آن به منظور گذران زندگی حداقل خود ندارند. همین گزارش می افزاید در اواخر ۱۹۹۰، بین ۱۵ تا ۲۰ درصد نیروی کار در آمریکا هفته ای ۵۰ ساعت به کار اشتغال داشت که طی دو سال گذشته به میزان ۷ درصد افزایش یافته است. بالاترین ساعات کار هفتگی در ژاپن است که از ۵۵ ساعت در هفته نیز تجاوز می کند.

در اروپا گرچه میانگین پائین تر از

کشورهای فوق است، اما بالغ بر ۱۰ درصد جمعیت شاغل اروپا ساعات کار هفتگی شان ۵۰ ساعت می باشد. در هلند ۱/۴ درصد نیروی کار، در یونان و ایرلند ۶/۲ درصد و در انگلستان ۵/۵ درصد جمعیت شاغل ۵۰ ساعت در هفته مجبور به کار هستند.

این گزارش، در نتیجه گیری خود برآورد کرده است که طی سال آینده با افزایش باز هم بیشتر ساعات کار، افزایش میزان جمعیت شاغلی که بیش از ۵۰ ساعت مجبور به کار است، روبرو خواهیم بود. این روند در کشورهای صنعتی شمال آمریکا و شرق آسیا با شتاب بیشتری همراه خواهد بود. اروپا با کمی فاصله همین روند را دنبال خواهد کرد.

در سند فوق الذکر همچنین آمده است که نیمی از مجموع جمعیت شاغل در آمریکا از ساعات بالای کار در هفته ناراضی اند. در اروپا ۴۶ درصد از شاغلین نیمه وقت خواهان افزایش ساعات کار خود هستند. ۸۱ درصد شاغلینی که بیش از ۵۰ ساعت در هفته مجبور به کار هستند، خواهان کاهش ساعات کار خود می باشند.

از صفحه ۸

فلسطین پس از یاسر عرفات

قمع نیروهای فلسطینی پرداختند. همین امروز هم ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه در چارچوب تضادهایی که بین امپریالیست های اتحادیه اروپا و آمریکا پدید آمده است به یاسر عرفات اجازه می دهد که به فرانسه بیاید اما خانم میشل الیو - ماری، وزیر دفاع فرانسه روز ۱۸ آبان اعلام می کند که محمود عباس (یا ابومازن و جانشین احتمالی عرفات)، احمد قریع (نخست وزیر حکومت خودگردان فلسطین) و نبیل شعث (وزیر امور خارجه دولت خودگردان) برای دیدار از عرفات به پاریس خواهند آمد.

امروز بیش از هر روزی کلید حل مسئله ی فلسطین می تواند در دست طبقه ی کارگر فلسطین و اسرائیل باشد که متحداً برای تشکیل یک دولت واحد اقدام کنند، زیرا از سویی تحرکات نیروهای اسلامی و از سویی هارتر شدن نژادپرستان حاکم در اسرائیل، مردمی را که می خواهند در صلح زندگی کنند در معرض انواع و اقسام خطرات به ویژه جانی قرار داده است. دولت نژادپرست اسرائیل با ساختن «دیوار حائل» ملتی را در

بزرگترین زندان سرباز جهان قرار داده است و هر روز به کشتارهای وحشیانه می پردازد. در این میان گروه های اسلامی مانند حماس نیز بدون توجه به خواسته های اصلی مردم فلسطین به عملیات انتحاری خود و کشتار غیرنظامیان اسرائیلی ادامه می دهند. آن ها خواهان یک فلسطین آزاد نیستند و هدفشان را پاکسازی یک «سرزمین اسلامی» از وجود «دشمن یهودی» قرار داده اند.

با توجه به این که تشکیل یک دولت واحد کارگری در این منطقه از جهان فوراً امکان پذیر نمی باشد، مردم ستم دیده فلسطین به مبارزات خود برای تشکیل یک حکومت در تمام کرانه ی غربی و نوار غزه با مرکزیت بیت المقدس ادامه خواهند داد و کماکان خواهان بازگشت تمام پناهندگان و برجیدن دیوار ننگین حائل خواهند شد. این مبارزه ایست برحق و عادلانه و به همین جهت همچنان از حمایت و همبستگی بین المللی تمام نیروهای مترقی و به ویژه نیروهای کمونیست برخوردار خواهد بود.

فلسطین پس از یاسر عرفات

بنیان‌گذاری شد. پنج سال بعد عرفات به ریاست کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین برگزیده شد. شکل‌گیری سازمان آزادیبخش فلسطین، مبارزات گسترده آن، حمایت‌های مردم فلسطین و موج وسیع همبستگی بین‌المللی با این مبارزات ده سال بعد موجب به رسمیت شناخته شدن حق مردم فلسطین برای یک حکومت مستقل گردید. به همین خاطر بود که عرفات توانست روز ۱۳ نوامبر ۱۹۷۴ در اجلاس سازمان ملل متحد شرکت کند و در آن سخن بگوید.

آغاز نخستین دور انتفاضه در سال ۱۹۸۷ روحیه تازه‌ای به سازمان آزادیبخش فلسطین داد، با این حال روز ۲۶ مارس دو سال بعد، عرفات در فرانسه رسماً اعلام کرد که بند «آزادی تمام فلسطین» با «مبارزه مسلحانه» از برنامه سازمان آزادیبخش فلسطین برداشته می‌شود. این مهم زمانی اعلام شد که جریان‌های اسلامی از قبیل حماس با کوشش و برنامه‌ی اسرائیل به تشکلاتی قوی تبدیل شده بودند تا سازمان آزادیبخش فلسطین تضعیف گردیده و دیگر آن گونه که اجلاس ۲۶ اکتبر ۱۹۷۴ در رباط اعلام کرده بود «تنها نماینده مشروع مردم فلسطین» نباشد. البته حمایت سازمان آزادیبخش فلسطین و شخص عرفات از رژیم صدام حسین در جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ موجب انفعال بیش‌تر و محرومیت از کمک‌های مالی کشورهای عرب این منطقه گردید. فشردن دست اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل برای امضای نسخه‌ی نهایی پیمان اسلو در روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ در واشینگتن و همچنین بازگشت عرفات به فلسطین در سال ۱۹۹۴، همراه با تشکیل حکومت خودمختار نهایتاً نتیجه‌چندانی در بازسازی اتوریتته سازمان آزادیبخش فلسطین نداشت و جریان‌های اسلامی مانند حماس با مخالفت خود با پیمان اسلو و عملیات انتحاری تأثیرات مشخصی بر مسئله فلسطین می‌گذاشتند.

هر چند عرفات در نخستین انتخابات عمومی فلسطین در سال ۱۹۹۵ به ریاست حکومت خودگردان انتخاب شد و هر چند وی در ۵ سپتامبر ۱۹۹۹ در شرم‌الشیخ با باراک، نخست‌وزیر وقت اسرائیل پیمانی را برای برقراری «نهایی» صلح امضاء کرد، اما شکست اجلاس کمپ دیوید در ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۰ با شرکت عرفات، باراک و کلینتون و آغاز انتفاضه دوم از ۲۹ سپتامبر همان سال به مسئله فلسطین شکل دیگری داد.

به قدرت رسیدن ارتجاعی‌ترین محافل در آمریکا و اسرائیل در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ و فرمان شارون برای ایزوله کردن عرفات در رام‌الله، پس از یک رشته عملیات انتحاری گروه‌های اسلامی مانند حماس، وضعیت را باز هم بحرانی‌تر کرد. جرج بوش نیز در ۲۴ ژوئن ۲۰۰۲ اعلام کرد که فلسطین فقط وقتی می‌تواند یک حکومت داشته باشد که عرفات رفته باشد.

حکومت نژادپرست اسرائیل و حامی اصلی آن، امپریالیسم آمریکا اکنون تمام تلاش خود را می‌کنند تا پس از فوت یاسر عرفات نقشه‌های ارتجاعی و ضدانسانی خود را به اجراء بگذارند. آن‌ها می‌خواهند به هر ترتیبی شده به شهرک‌نشین‌های یهودی در سرزمین‌های اشغالی رسمیت و قانونیت بخشند، از شکل‌گیری یک حکومت فلسطینی جلوگیری کنند یا در نهایت به یک دولت بی‌اقتدار زیر فرمان خود تن دردهند و به هر حال از بازگشت پناهندگان فلسطینی اخراج‌شده بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ جلوگیری به عمل آورند.

روشن است که مردم فلسطین توانایی و عزم ادامه‌ی مبارزات خود را بدون یاسر عرفات خواهند داشت یا در بدترین حالت آن‌ها را بازسازی خواهند نمود و نقشه‌های صهیونیستی و امپریالیستی را نقش بر آب خواهند کرد. اما تمام نیروهای مترقی فلسطین و تمام آن‌هایی که از این مبارزات حمایت می‌کنند باید از هیچ تلاشی برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته دریغ نورزند. جنبش آزادیبخش فلسطین می‌توانست تاکنون با پتانسیل بزرگ درونی و برونی خود به موفقیت‌ها و پیروزی‌های چشمگیرتری برسد اگر که مانند دست کم دو تا سه دهه اخیر، برخی از تشکلات و رهبران به بازی‌های دیپلماتیک قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی چشم نمی‌دوختند و استقلال عملی خود را از دست نمی‌دادند. جنبش آزادیبخش فلسطین هزینه‌های گزافی را برای این امر پرداخت کرده است. همگان به یاد دارند که حکومت سلطنتی اردن چگونه در «سپتامبر سیاه» ۱۹۷۰ به اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی در این کشور حمله کرد و دست به چندین قتل‌عام زد، همگان به یاد دارند که وقتی عرفات در جنگ داخلی لبنان (۱۹۷۵ تا ۱۹۸۲) جانب مخالفان را گرفت چگونه ابتداء حافظ الاسد سوری و سپس ارتش صهیونیستی به قلع و

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

K. A. R آلمان
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

I. S. F دانمارک
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M. A. M سوئد
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry سوئیس
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A. A. A فرانسه
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

K.Z کانادا
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره‌های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فدائیان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیکی E-Mail:

info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):
۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No. 441 november 2004

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی